



خلق چین قاطعانه
از مبارزهٔ خلق عرب
علیه تجاوز، حمایت می‌کند



انتشارت زبان خارجه پکن



دَر گَنْدُمزار زَنجَرِه می خوانند...

«شما تنها دو میلیون فلسطینی نیستید که در برابر اسرائیل قرار دارید؛ شما یک صد میلیون عرب هستید. باید بر این اساس عمل کنید و بیاندیشید! وقتی درمورد اسرائیل بحث می کنید، نقشهٔ کل جهان عرب را در نظر آورید!»



صدر مائو در دیدار با احمد الشقیری، نخستین رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین (PLO)

نقل قول‌هایی از صدر مائو

خلق‌های جهان، متحد شوید و متجاوزان آمریکایی و تمامی سگ‌های دست‌آموزشان را در هم بکوبید! خلق‌های جهان، شجاع باشید، جرأت مبارزه داشته باشید، بر دشواری‌ها چیره شوید و همچون موجی پی‌درپی به‌پیش روید. آن‌گاه تمام دنیا از آن خلق خواهد بود و هیولاصفتانِ گوناگون نابود خواهند شد!

بیانیه‌ای در حمایت از خلق کنگو (ل.) علیه تجاوز آمریکا

جریان خروشان خلق‌های جهان علیه تجاوزگران آمریکایی غیرقابل توقف است. مبارزه آن‌ها علیه امپریالیسم آمریکا و دست‌نشانده‌هایش قطعاً به پیروزی‌های بزرگ‌تری خواهد انجامید.

بیانیه‌ای در حمایت از مبارزه میهن‌پرستانه و عادلانه خلق پاناما علیه امپریالیسم آمریکا

خلق چین قاطعانه از مبارزه خلق عرب علیه تجاوز حمایت می کند

انتشارات زبان خارجه

پکن، ۱۹۶۷

بیانیه دولت جمهوری خلق چین

۲۷ می ۱۹۶۷

امپریالیسم ایالات متحده در حال حاضر در حال طراحی نقشه‌ای بزرگ برای تجاوز به سوریه، جمهوری متحد عربی و سایر کشورهای عرب با استفاده از اسرائیل است. نخست‌وزیر اسرائیل و وزیر خارجه‌اش بارها درباره آغاز دشمنی با سوریه و سرنگونی دولت سوریه فریاد زده‌اند. اسرائیل نیروهای زیادی را در مرزهایش با سوریه و جمهوری متحد عربی جمع‌آوری کرده و در هر زمان آماده ماجراجویی نظامی وسیع است. ایالات متحده ناوگان ششم خود را به دریای مدیترانه شرقی فرستاده تا نمایش قدرت بزرگی داشته باشد و تهدیدات نظامی را اجرا کند. استقلال و امنیت کشورهای عربی شدیداً مورد تهدید قرار گرفته است. واقعیت‌ها بار دیگر نشان می‌دهند که امپریالیسم ایالات متحده، بزرگ‌ترین جنایتکار حامی تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی است و این امپریالیسم، دشمنی بی‌رحم برای خلق عرب به شمار می‌رود.

با تهدید تجاوز و جنگی که توسط امپریالیسم ایالات متحده و اسرائیل آغاز شده است، خلق کشورهای عربی به‌طور یکپارچه برای مقابله با دشمن مشترک خود به مبارزه‌ای قاطع برخاستند. سوریه، جمهوری متحد عربی و سایر کشورهای عرب، اعلام وضعیت آماده‌باش کرده و همیشه برای مقابله با متجاوزان آماده هستند. جمهوری متحد عربی خواستار خروج نیروهای اضطراری سازمان ملل از نوار غزه و خاک خود شده و اعلام کرده است که خلیج عقبه را می‌بندد و عبور کشتی‌های اسرائیلی را ممنوع می‌کند. شورای اتحادیه عرب، قطعنامه‌ای صادر کرده که هر حمله به خاک هر کشور

عربی، به مثابه تجاوز به تمامی کشورهای عربی محسوب خواهد شد. عراق، یمن، الجزایر و سایر کشورهای عربی تدابیر اضطراری را برای حمایت از مبارزه خلق سوریه و جمهوری متحد عربی اتخاذ کرده‌اند. این اقدام کشورهای عربی تنها اقدامات دفاع از خود در برابر تجاوز و ستم هستند و کاملاً با منافع خلق عرب همخوانی دارند.

مبارزه خلق عرب علیه امپریالیسم ایالات متحده و صهیونیسم، یکی از اجزای مهم مبارزه جهانی علیه امپریالیسم است. این مبارزه ضربات سختی به امپریالیسم، استعمار و نواستعمار وارد کرده و حمایتی قوی از خلق‌های جهان در مبارزه‌شان علیه امپریالیسم به عمل آورده است. ۷۰۰ میلیون خلق چین که با اندیشه مائوتسه دون مسلح شده‌اند، قاطعانه در کنار خلق عرب ایستاده و به طور مستحکم از تمامی مبارزات عادلانه آن‌ها حمایت می‌کنند. خلق چین همیشه به عنوان هم‌زمان وفادار و قابل اعتماد خلق عرب در مبارزه علیه امپریالیسم باقی خواهند ماند.

با نمایان ساختن ویژگی‌های وحشیانه‌اش، امپریالیسم ایالات متحده در حال حاضر علناً تهدید به استفاده از زور برای وادار کردن جمهوری متحد عربی به بازگشایی خلیج عقبه می‌کند؛ در عین حال، سرکرده‌اش لیندون جانسون با افرادی چون دبیرکل سازمان ملل، او ثانت، در تلاشی بی‌فایده برای خنثی کردن مبارزه ضد امپریالیستی کشورهای عربی توطئه می‌کند و از ابزار مفید سازمان ملل بهره می‌برد. تماس‌های فزاینده بین ایالات متحده، اتحاد جماهیر شوروی، بریتانیا و فرانسه، از جمله سفر جورج براون به مسکو، همگی به منظور تعیین سرنوشت خلق عرب و وادار کردن آن‌ها به تسلیم با استفاده از آنچه که به عنوان «وضعیت قدرت‌های بزرگ» خوانده می‌شود، طراحی شده است؛ اما هیچ ترفند یا تهدیدی نمی‌تواند خلق عرب را که هر روز در حال بیداری هستند، ترسانده یا فریب دهد. چنین اقداماتی از سوی امپریالیسم ایالات متحده، که در حال نمایان ساختن دندان‌هایش و مرتکب خشونت و دیکتاتوری مآبی در هر جا

است، به هیچ وجه نشانه‌ای از قدرت آن نیست، بلکه نمایان‌گر ناامیدی و ضعف درونی آن است. صدر مائو سال‌ها پیش اشاره کرد: امپریالیسم ایالات متحده خود را فراتر از توانش قرار داده است. هر جا که اقدام به تجاوز کند، گِرهی جدید به‌دور گردش می‌زند. این امپریالیسم در حلقه‌ای از محاصرهٔ خلق‌های سراسر جهان قرار دارد.

امپریالیسم ایالات متحده در تجاوز خود به ویتنام شکست خفت‌آوری را متحمل شده است و قطعاً در تجاوز به کشورهای عربی نیز به سرنوشت بهتری دچار نخواهد شد. دور نیست آن روزی که خلق‌های سراسر جهان، امپریالیسم ایالات متحده را کاملاً به خاک سپارند.

گروه رهبری تجدیدنظرطلب شوروی، هم‌دست شماره یک امپریالیسم ایالات متحده است. این گروه در همه‌جا به سیاست‌های تهاجمی و جنگ‌طلبانهٔ امپریالیسم ایالات متحده خدمت می‌کند. اکنون که مبارزهٔ خلق عرب علیه تهاجم امپریالیسم ایالات متحده و اسرائیل به اوج جدیدی رسیده است، گروه رهبری تجدیدنظرطلب شوروی بار دیگر با امپریالیسم ایالات متحده و بریتانیا هم‌دست شده و مشغول کار بر روی یک توافق سیاسی با آن‌هاست و فعالانه در تلاش است تا «روح تاشکند» خود را به‌عنوان ابزاری برای تخریب قضیهٔ حق‌طلبانهٔ خلق عرب علیه امپریالیسم به فروش بربسازد. این گروه حتی یک کلمه در مورد مهم‌ترین مسئله - تهاجم امپریالیسم ایالات متحده به کشورهای عربی - نمی‌گوید و از اقدامات حق‌طلبانهٔ جمهوری متحد عربی در خواسته‌های خود برای خروج نیروهای سازمان ملل و بستن خلیج عقبه حمایت نمی‌کند. این به‌واقع یک خیانت آشکار است. ما مطمئنیم که خلق عرب، که دارای سنتی در مبارزهٔ علیه امپریالیسم هستند، به‌خوبی این گروه رهبری تجدیدنظرطلب

شوروی را با تمامی زشتی‌اش به‌عنوان خیانتکار به منافع خلق‌های عرب شناسایی خواهند کرد و هرگز فریب آن‌ها را نخواهند خورد.

رهبر کبیر خلق چین، مائوتسه دون، می‌گوید: خلق‌های جهان، متحد شوید و متجاوزان آمریکایی و تمامی سگ‌های دست‌آموزشان را در هم بکوبید! خلق‌های جهان، شجاع باشید، جرأت مبارزه داشته باشید، بر دشواری‌ها چیره شوید و همچون موجی پی‌درپی به‌پیش روید. آن‌گاه تمام دنیا از آن خلق خواهد بود و هیولاصفتانِ گوناگون نابود خواهند شد!

ملت عرب، ملتی بزرگ است. خلق عرب، خلقی قهرمان است. تا زمانی که آن‌ها در یک بدن متحد شوند و در مبارزه پافشاری کنند، قطعاً امپریالیسم ایالات متحده و سگ دونده‌اش، اسرائیل را شکست خواهند داد و در این مبارزه پیروز خواهند شد.

خلق عرب قطعاً پیروز خواهد شد! امپریالیسم ایالات متحده یقیناً شکست خواهد خورد!

بیانیه دولت جمهوری خلق چین

۶ ژوئن ۱۹۶۷

در تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۶۷، تحت تحریک و حمایت امپریالیسم ایالات متحده، اسرائیل علناً حمله نظامی گسترده‌ای را علیه جمهوری متحد عربی، سوریه و دیگر کشورهای عربی آغاز کرد. این اقدام، جرم دیگری است که توسط امپریالیسم ایالات متحده و آلت دستش، اسرائیل، علیه خلق عرب انجام شده و همچنین تحریکی جدی علیه خلق‌های آسیا، آفریقا و سایر نقاط جهان به شمار می‌آید. خلق کشورهای عربی، با اتحاد در نفرت خود علیه دشمن مشترکشان، مستقیماً به متجاوزان ضربه می‌زنند. طوفانی از مبارزه علیه تجاوزات امپریالیستی ایالات متحده سراسر جهان عرب را در بر گرفته است.

اسرائیل محصول سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم ایالات متحده و بریتانیا است. پس از جنگ جهانی دوم، بدون حمایت امپریالیسم آمریکا، اسرائیل اصلاً نمی‌توانست وجود داشته باشد و بدون پشتیبانی امپریالیسم آمریکا هرگز جرأت نمی‌کرد به کشورهای عربی حمله کند. این امپریالیسم ایالات متحده است که اسرائیل را تحریک به حمله به سوریه کرده؛ این امپریالیسم آمریکا است که با همکاری امپریالیسم بریتانیا تهدید به بازگشایی خلیج عقبه با نیروی نظامی کرده و باز هم این امپریالیسم ایالات متحده است که اسرائیل را با مقادیر زیادی سلاح تأمین کرده تا حملات ناگهانی به جمهوری متحد عربی و دیگر کشورهای عربی انجام دهد. حقایق به‌طور کامل ثابت کرده‌اند که

امپریالیسم ایالات متحده مدیر پشت‌صحنه صهیونیسم و دشمن شماره یک خلق عرب و خلق‌های جهان است.

در این حادثه، گروه رهبری سوسیالیستی تجدیدنظرطلب شوروی، از تجاوز اسرائیل که تحت تحریک و حمایت امپریالیسم ایالات متحده صورت گرفته، چشم‌پوشی کرده و بدین ترتیب بار دیگر ویژگی‌های زشت خود را به‌عنوان خائن به خلق عرب نمایان کرده است.

صدر مائوتسه دون، رهبر کبیر خلق چین، اشاره کرده است: « جریان خروشان خلق‌های جهان علیه تجاوزگران آمریکایی غیرقابل توقف است. مبارزه آن‌ها علیه امپریالیسم آمریکا و دست‌نشانده‌هایش قطعاً به پیروزی‌های بزرگ‌تری خواهد انجامید. »

جمهوری متحد عربی، سوریه و دیگر کشورهای عربی و خلق فلسطین، در حال انجام جنگی عادلانه علیه تجاوزات آمریکایی-اسرائیلی هستند. یک جنگ عادلانه، شکست‌ناپذیر است. خلق قهرمان عرب با سابقه‌ای درخشان در مبارزه علیه امپریالیسم، پرچم عادلانه جنگ علیه تجاوز را به اهتزاز درآورده‌اند. ما معتقدیم که با هم‌دردی و حمایت خلق‌های سراسر جهان، خلق عرب قطعاً به پیروزی‌های نهایی خواهند رسید، به شرطی که اتحاد خود را تقویت کنند، در مبارزه پافشاری نمایند، موج به موج پیش بروند و بر تمام دشواری‌ها فائق آیند.

دولت چین بدین‌وسیله به‌طور جدی اعلام می‌کند: توده ۷۰۰ میلیون نفری چین که پیروزمندانه در حال پیشبرد انقلاب فرهنگی کبیر پرولتری هستند، با اندیشه مائوتسه دون مسلح شده و به‌هیچ‌وجه اجازه نخواهند داد که امپریالیست‌های آمریکایی و هم‌دستان‌شان بی‌محبا و در همه‌جا دست به تجاوز بزنند. ما قاطعانه در کنار خلق

عرب ایستاده و به‌طور جدی از آن‌ها در جنگ عادلانه‌شان علیه تجاوزات آمریکایی -
اسرائیلی حمایت می‌کنیم.

پیروزی قطعاً به خلق مبارز و قهرمانِ عرب تعلق خواهد داشت!

پیام نخست وزیر ژوئن لای به ناصر، رئیس جمهور جمهوری

متحد عربی

۶ ژوئن ۱۹۶۷

جناب آقای جمال عبدالناصر،

رئیس جمهور جمهوری متحد عربی،

قاهره

عالی جناب،

در تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۶۷، با تحریک و حمایت امپریالیسم ایالات متحده، اسرائیل حملات غافلگیرکننده و بزدلانه‌ای را به قاهره، پایتخت جمهوری متحد عربی، منطقه کانال سوئز، نوار غزه و سایر نقاط آغاز کرد و بدین ترتیب جنگی تهاجمی علیه تمامی کشورهای عربی و خلق آن‌ها به راه انداخت. خلق جمهوری متحد عربی و تمامی خلق عرب که دارای سنت ضد امپریالیستی هستند، بدون ترس از نیروی وحشیانه و با نفرتی عمیق نسبت به دشمن مشترکشان، به طرز چشمگیری گستاخی تند و خشن متجاوزان را کاهش دادند و هم‌زمان همدلی و تحسین تمامی خلق‌های انقلابی ضد امپریالیستی آسیا، آفریقا و سراسر جهان را جلب کردند.

تهاجم کنونی اسرائیل از قبل به‌طور کامل برنامه‌ریزی شده بود و فقط زمانی آغاز شد که اسرائیل از حمایت سیاسی و نظامی رئیس‌جمهور ایالات متحده، لیندون جانسون، مطمئن شده بود. واقعیت‌ها دوباره نشان داده‌اند که امپریالیسم ایالات متحده، مجرم اصلی‌ای است که از اسرائیل در تهاجمش علیه کشورهای عربی حمایت می‌کند و وحشتناک‌ترین دشمن خلق عرب به شمار می‌رود. خلق و دولت چین به‌طور کامل با نتیجه‌گیری صحیح جناب‌عالی، آقای رئیس‌جمهور، در تاریخ ۲ می موافق هستند که امپریالیسم ایالات متحده «ستاد ضد انقلاب در جهان» است.

در حال حاضر، وضعیت مبارزه علیه امپریالیسم در جهان عالی است. امپریالیسم ایالات متحده به‌طور حلقه‌به‌حلقه توسط خلق‌های جهان محاصره شده است. از طریق ماجراجویی‌های جنگی، امپریالیسم ایالات متحده و آلت دست‌اش، اسرائیل، تنها می‌توانند خلق عرب را به مقاومت حتی مصمم‌تری تحریک کرده و سرنوشت خود را تسریع کنند. بریتانیا، فرانسه و اسرائیل در تهاجم خود به مصر در سال ۱۹۵۶ به هیچ سرانجام خوبی نرسیدند و امروز، در تحریک و حمایت از اسرائیل در تهاجمش علیه کشورهای عربی، امپریالیسم ایالات متحده نیز به هیچ سرانجام خوبی نخواهد رسید.

صدر مائوتسه دون، رهبر کبیر خلق چین، گفته است: «مبارزات عادلانه ملت‌های مختلف جهان، از یکدیگر حمایت خواهند کرد.»

دولت و خلق چین همواره مبارزه خلق عرب علیه امپریالیسم را بسیار ارج نهادند و مبارزات آن‌ها را مبارزه خود دانسته و پیروزی‌های آن‌ها را پیروزی‌های خود تلقی می‌کنند. اکنون می‌خواهم بار دیگر به جناب‌عالی تأکید کنم که در مبارزه برای دفع تهاجم امپریالیسم آمریکا و آلت دست آن، اسرائیل، دولت و خلق چین به‌طور قاطع در

کنار خلق جمهوری متحد عربی و تمام خلق عرب ایستاده و همواره به عنوان رفقای
قابل اعتماد و استوار خلق عرب باقی خواهند ماند.

اجازه دهید به نمایندگی از جانب صدر مائوتسه دون و معاون ایشان، لین پیاو و
همچنین از جانب خودم، احترامات و سلام های صمیمانه ام را به جناب عالی ابراز کنم.

ژوئن لای

نخست وزیر شورای دولتی جمهوری خلق چین

پیام نخست وزیر ژوئن لای به آتاسی، رئیس دولت سوریه

پکن، ۶ ژوئن ۱۹۶۷

عالی جناب نورالدین آتاسی،

رئیس دولت جمهوری عربی سوریه،

دمشق

عالی جناب،

در تاریخ ۵ ژوئن، با تحریک و حمایت امپریالیسم آمریکا، اسرائیل بی شرمانه تجاوزی نظامی علیه کشور شما آغاز کرد. این یک تحریک جنگی جدید و جدی علیه خلق سوریه و همچنین تمامی ملت عرب است.

در برابر تجاوز امپریالیستی، دولت و خلق جمهوری عربی سوریه با نبردی متقابل به مقابله با متجاوزان پرداخته و با ضربات قاطع و نیرومند به آنان پاسخ می دهند. اقدام عادلانه شما اراده قوی خلق سوریه و تمامی ملت عرب برای مخالفت با تجاوز امپریالیسم آمریکا و اسرائیل را نشان داده و همدلی و تحسین همه خلق انقلابی ضد امپریالیستی در آسیا، آفریقا و سایر نقاط جهان را به دست آورده است. دولت چین و ۷۰۰ میلیون خلق چین، همچون گذشته، قاطعانه در کنار خلق سوریه و دیگر

کشورهای عربی ایستاده و از مبارزه عادلانه شما علیه تجاوز کاملاً حمایت خواهند کرد.

واقعیت‌ها بار دیگر ثابت کرده‌اند که امپریالیسم آمریکا دشمن شماره یک خلق سوریه و دیگر کشورهای عربی است و منبع تمام رنج‌های خلق عرب می‌باشد. این جنگ تجاوزکارانه که توسط امپریالیسم آمریکا و آلت دست آن، اسرائیل، آغاز شده است، به هیچ وجه نشان‌دهنده قدرت آن‌ها نیست؛ بلکه برعکس، نشان می‌دهد که آن‌ها به آخر خط رسیده‌اند و در حال دست‌وپا زدن برای آخرین تلاش‌های خود هستند. صدر مائوتسه دون، رهبر کبیر خلق چین، مدت‌ها پیش این موضوع را بیان کرده بود:

همه مرتجعین ببر کاغذی هستند. در ظاهر، مرتجعین ترسناک به نظر می‌رسند؛ اما در واقع آن قدر هم قدرتمند نیستند. در بلندمدت، این خلق‌ها هستند که واقعاً قدرتمندند، نه مرتجعین.

من عمیقاً متقاعد هستم که با حمایت و همدلی خلق‌های جهان، خلق قهرمان سوریه و سایر کشورهای عربی که دارای سنتی درخشان در مبارزه با امپریالیسم هستند، قطعاً در تلاش خود علیه تجاوز، به پیروزی نهایی دست خواهند یافت، به شرط آن‌که اتحاد خود را تقویت کرده و به مبارزه ادامه دهند.

در پایان، اجازه دهید به نمایندگی از طرف صدر مائوتسه دون و معاون ایشان لین پیاو و همچنین از جانب از خودم، احترام و سلام صمیمانه‌ام را به حضورتان تقدیم کنم.

ژوئن لای

نخست‌وزیر شورای دولتی جمهوری خلق چین

پیام نخست وزیر ژوئن لای به الشقیری، رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین

پکن، ۶ ژوئن ۱۹۶۷

جناب آقای احمد الشقیری،

رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین،

قاهره

عالی جناب،

با تحریک و حمایت امپریالیست های آمریکا و بریتانیا، اسرائیل بی پروایانه حمله مسلحانه گسترده ای به کشورهای عربی و خلق آن ها آغاز کرده است.

خلق عرب با اتحاد در یک صف، در حال مبارزه ای عادلانه علیه تجاوز هستند. خلق فلسطین و ارتش آزادی بخش فلسطین در مواضع جنگی خود مستقر شده اند و همراه با تمام نیروهای مسلح و خلق عرب، روحیه شجاعت در میدان نبرد را به نمایش گذاشته و از هیچ فداکاری ای نمی هراسند و ضربات مستقیمی به مهاجمان می زنند.

اسرائیل حاصل سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم ایالات متحده و بریتانیا است. نوزده سال پیش، اسرائیل، با حمایت امپریالیسم ایالات متحده و بریتانیا، اجباراً میهن خلق

فلسطین را اشغال کرد و حدود یک میلیون فلسطینی را وادار کرد پناهنده و بی خانمان شوند.

امروز، خلق ستم‌دیدهٔ عرب و فلسطینیان آسیب‌دیده به پا خاسته‌اند. هر جا که ستمی وجود دارد، مقاومت نیز وجود دارد و هر جا که تجاوزی باشد، مبارزه علیه آن نیز برقرار است. من بر این باورم که خلق انقلابی فلسطین و تمامی خلق عرب که اسلحه به دست گرفته‌اند، هرگز سلاح‌های خود را زمین نخواهند گذاشت و مانند خلق قهرمان ویتنام، بی‌پروا، با اراده و سرسختی تا پیروزی نهایی به مبارزه ادامه خواهند داد.

در حال حاضر، وضعیت مبارزهٔ انقلابی ضد امپریالیستی در سرتاسر جهان بسیار عالی است. امپریالیسم آمریکا شدیداً تحت محاصرهٔ خلق ویتنام، خلق عرب و خلق انقلابی کل جهان قرار دارد. جنابعالی در بسیاری از مواقع بیان کرده‌اید که فلسطین تنها از طریق مبارزهٔ مسلحانه می‌تواند آزاد شود. من به این دیدگاه روشن جنابعالی بسیار ارادت دارم. امروز، جنگ عادلانهٔ دولت‌ها و خلق عرب علیه تجاوز امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم بریتانیا و اسرائیل، آغاز بسیار خوبی برای مبارزه جهت آزادسازی فلسطین است.

رهبر کبیر خلق چین، صدر مائوتسه دون به ما آموخته است: «تصرف قدرت از طریق نیروی مسلح، حل و فصل مسأله از طریق جنگ، وظیفهٔ مرکزی و بالاترین شکل انقلاب است.» عمل انقلابی مبارزهٔ خلق فلسطین، دوباره این حقیقت غیرقابل انکار را ثابت خواهد کرد.

خلق چین همواره هم‌رزم خلق فلسطین و خلق کشورهای عربی در مبارزه علیه امپریالیسم خواهند بود. دولت و خلق چین همواره در کنار شما خواهند بود و قاطعانه

از شما در ادامهٔ مبارزهٔ عادلانه علیه امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم بریتانیا و دنباله‌روی
آن، اسرائیل، حمایت خواهند کرد.
لطفاً سلام و احترامات من را بپذیرا باشید.

ژوئن لای

نخست‌وزیر شورای دولتی جمهوری خلق چین

قاطعانه از جنگ خلق عرب علیه تجاوز حمایت کنید!

- سرمقاله روزنامه خلق (رن مین ریائو)، ۶ ژوئن ۱۹۶۷ -

در ۵ ژوئن، اسرائیل، نوکر امپریالیسم آمریکا، بی‌شرمانه جنگ تجاوزکارانه‌ای علیه کشورهای عربی آغاز کرد و حملات گسترده‌ی هوایی و زمینی را علیه جمهوری متحد عربی (U.A.R)، سوریه و دیگر کشورها انجام داد.

بدین ترتیب، تهدید جنگی که امپریالیسم آمریکا در دوره‌ی اخیر از طریق اسرائیل علیه خلق عرب به راه انداخته بود، به اقدامات جنگی تبدیل شد و امپریالیسم آمریکا و نوکرش، جنگ را بر خلق عرب تحمیل کردند. اکنون که امپریالیسم آمریکا و نوکرش جنگ تجاوزگرانه‌ای را آغاز کرده‌اند، خلق عرب طبعاً با قاطعیت برای مبارزه با تجاوز برخاسته‌اند. از آن جایی که دشمن از مرزها عبور کرده است، پاسخ قاطعانه امری بدیهی است. در حال حاضر، نیروهای مسلح و خلق جمهوری متحد عربی، سوریه و دیگر کشورها در حال وارد کردن ضربات مستقیم به مهاجمان هستند. کشورهای عربی که با نفرت مشترک نسبت به دشمن متحد شده‌اند، یکی پس از دیگری ورود خود به وضعیت جنگ با اسرائیل را اعلام کرده‌اند. نیروهای نظامی بسیاری از کشورهای عربی به مواضع خط مقدم برای مقاومت مشترک در برابر تجاوز منتقل شده‌اند. این قوی‌ترین و استوارترین پاسخ صد میلیون خلق عرب به مهاجمان است.

تجاوز دیوانه‌وار اسرائیل علیه کشورهای عربی کاملاً توسط امپریالیسم آمریکا صحنه‌سازی شده است. در روزهای اخیر، ناوهای ناوگان ششم آمریکا به شرق مدیترانه حرکت کرده‌اند تا کشورهای عربی را تهدید کنند. لیندون جانسون در عرض

یک هفته سه بیانیه صادر کرد و با سر و صدا اعلام کرد که ایالات متحده «وعده» اش به اسرائیل را «عملی خواهد کرد». سفیر آمریکا در جمهوری متحد عربی مدت‌ها پیش اعلام کرده بود که ایالات متحده «از زور» علیه کشورهای عربی استفاده خواهد کرد. جنگ تجاوزگرانه‌ای که اکنون توسط اسرائیل در خاورمیانه آغاز شده است، در واقع جنگی است که در آن آمریکا اسلحه و ایده‌هایش را فراهم کرده و اسرائیل نیروی انسانی‌اش را تأمین می‌کند تا برای ایالات متحده بجنگد و خلق عرب را قتل عام کند. هدف این جنگ تجاوزگرانه که توسط امپریالیسم آمریکا صحنه‌سازی شده، سرکوب مبارزه انقلابی ضد امپریالیستی خلق عرب و تسهیل کنترل و به بند کشیدن کشورهای عربی است.

امپریالیسم بریتانیا یکی از همدستان این جنگ تجاوزگرانه است. اخیراً بریتانیا پشت سر ایالات متحده حرکت کرده و یکی پس از دیگری، کشورهای عربی را به جنگ تهدید کرده و همزمان پیوسته نیروهای نظامی خود را در شرق کانال سوئز مستقر کرده است. هارولد ویلسون بی‌شرمانه اعلام کرده که اگر کشورهای عربی در برابر اسرائیل تسلیم نشوند، این امر «می‌تواند به جنگی محلی در خاورمیانه منجر شود». امپریالیسم بریتانیا که در جنگ کانال سوئز، شکستی تیره و تار را متحمل شد، در رؤیای سوار شدن دوباره بر دوش خلق عرب از طریق این جنگ تجاوزگرانه جدید است.

در فعالیت‌های تجاوزکارانه و جنایتکارانه ایالات متحده و دست‌نشانده‌اش اسرائیل، طبقه حاکم تجدیدنظرطلب شوروی بار دیگر نقش شرم‌آور هم‌دست شماره یک را ایفا می‌کند. اخیراً تماس‌ها و فعالیت‌های فشرده‌ای بین مسکو، واشنگتن و لندن انجام شده است. تعداد زیادی از کشتی‌های جنگی شوروی به دریای مدیترانه شرقی حرکت کرده‌اند تا به ناوگان ششم ایالات متحده نزدیک شوند. کاسیگین نامه‌ای به نخست‌وزیر اسرائیل نوشت و به ظاهر او را به «احتیاط» فراخواند. حتی مقامات اسرائیلی لحن این

نامه را به طرز فوق العاده ای «ملایم» یافتند. طبقه تجدیدنظرطلب شوروی مصمم است که با همکاری امپریالیسم آمریکا و بریتانیا، شعله های مبارزه عادلانه خلق عرب را خاموش کند. این خیانت، شدیداً به تکبر تجاوزگرانه اسرائیل دامن زده است.

تکبر تجاوزگرانه اسرائیل در واقع ادامه سیاست نواستعماری برده داری است که امپریالیسم آمریکا علیه کشورهای عربی دنبال کرده است. ایالات متحده، بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی اکنون دست به دست هم داده اند تا با توسل به جنگ، کشورهای عربی را به تسلیم وادار کنند. در حالی که به تحریک جنگ پرداخته اند، در تلاش هستند تا از سازمان ملل برای «میانجی گری» استفاده کنند تا به قدرت های بزرگ اجازه دهند مداخله خود را دنبال کنند. این موضوع، سازمان ملل را به عنوان ابزاری در دست امپریالیسم آمریکا، ابزاری برای استعمار، ابزاری برای سیاست قدرت های بزرگ و ابزاری برای پوشاندن جنایات جنگی و فریب سیاسی قدرت های بزرگ برملا می کند.

امپریالیسم آمریکا و هندستان و دست نشانده هایش در حال زورگویی به خلق عرب هستند، که به هیچ وجه قابل تحمل نیست. خلق عرب، خلقی قهرمان با سنت مبارزه علیه تجاوز هستند. آن ها هرگز در برابر گانگسترهای امپریالیست سر خم نخواهند کرد. در سال های ۱۹۵۶ و ۱۹۵۸، آن ها به طور قاطع با تجاوز امپریالیستی آمریکا و بریتانیا مقابله کردند. امروز آن ها بیش از هر زمان دیگری متحد و نیرومند هستند. آن ها مطمئناً مجازاتی دوچندان برای متجاوزان در نظر خواهند گرفت و ضربات شدیدی به آن ها وارد خواهند کرد!

صدر مائوتسه دون گفته است: اگر آن ها حمله کنند، ما آن ها را به طور کامل نابود خواهیم کرد. اوضاع این گونه است: اگر حمله کنند و ما آن ها را نابود کنیم،

رضایت خواهند داشت؛ نابود کردنِ تعدادی، کمی رضایت؛ نابود کردن بیشتر، رضایت بیشتر؛ نابود کردن همه، رضایت کامل.

این راهی است که خلق عرب برای مقابله با امپریالیسم و عوامل آن در پیش می‌گیرند.

اوضاع کنونی جهان بسیار به نفع جنگ خلق عرب علیه تجاوزگری است. امپریالیسم آمریکا شدیداً از سوی خلق ویتنام آسیب دیده و در میدان نبرد ویتنام به دام افتاده است. آمریکا در سراسر جهان تجاوز می‌کند و در همه‌جا به‌شدت شکست می‌خورد. این کشور در وضعیتی کاملاً منفعلانه قرار دارد و با مشکلات بسیاری مواجه است. در برابر خلق عرب ظاهری بسیار خشن دارد، اما در واقعیت بسیار ضعیف است. آنچه امپریالیسم آمریکا و آلت دست‌اش، اسرائیل، بیش از همه از آن می‌ترسند، ادامه مبارزه خلق عرب در این جنگ ضد تجاوز است. تا زمانی که خلق کشورهای عرب ماهیت ارتجاعی امپریالیسم آمریکا و هم‌پیمانانش را بشناسند، وحدت خود را تقویت کنند و در مبارزه پافشاری کنند و نه مرعوب شوند و نه فریب بخورند، قطعاً پیروزی نهایی را در این جنگ عادلانه دفاع از خود به‌دست خواهند آورد.

هفتصد میلیون خلق چین، به‌شدت تجاوز جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا و عوامل آن را محکوم می‌کنند. امپریالیسم آمریکا دشمن مشترک و مرگبار خلق چین و خلق عرب است. خلق چین قاطعانه در کنار خلق عرب ایستاده و با قاطعیت از جنگ آن‌ها علیه تجاوزگری حمایت می‌کنند.

امپریالیسم آمریکا و عواملش شکست خواهند خورد! خلق عرب پیروز خواهد شد!

خلق عرب، متحد شوید، تلاش مستمر داشته باشید و تا

پایان با امپریالیسم بجنگید!

- سرمقاله روزنامه خلق (رن‌مین ریائو)، ۱۱ ژوئن ۱۹۶۷ -

به دلیل تجاوز مسلحانه گسترده و ناگهانی متجاوزان آمریکایی-اسرائیلی و فشاری که ایالات متحده، بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی با هم‌دستی، بر کشورهای عربی وارد کرده‌اند، دولت‌های جمهوری متحد عربی، سوریه و اردن ناچار به پذیرش «قطعنامه آتش‌بس» شورای امنیت سازمان ملل شده‌اند؛ اما تحت پوشش «آتش‌بس» سازمان ملل، اسرائیل، دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا، به حملات گسترده خود علیه سوریه ادامه می‌دهد. مبارزه خلق عرب علیه امپریالیسم آمریکا و دست‌نشانده آن اکنون در مرحله‌ای بحرانی قرار گرفته است. این مبارزه تنها دچار یک شکست موقت شده؛ شعله‌های مقاومت خاموش نشده و هرگز خاموش نخواهد شد.

از زمان آغاز جنگ تجاوزکارانه توسط ایالات متحده و اسرائیل، موجی از مبارزات گسترده توده‌ای علیه آمریکا در سراسر جهان عرب به راه افتاده است. این امر بیانگر بیداری بی‌سابقه خلق عرب است. با وجود اعلام «آتش‌بس»، روحیه خلق عرب همچنان بالا است و آن‌ها به روش‌های مختلف به امپریالیسم آمریکا و دست‌نشانده‌اش ضربه می‌زنند؛ آن‌ها مصمم به مبارزه با متجاوزان تا آخرین نفس هستند.

خلق عرب طی سال‌ها مبارزات قهرمانانه‌ای برای دستیابی به استقلال ملی و حفظ آن انجام داده است. با وجود شکست‌های مکرر در این مبارزات، آن‌ها به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته‌اند. نه شکست در جنگ عرب-اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و نه «بیانیه سه‌جانبه» ۱۹۵۰، که در آن ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه به طور مشترک در امور عرب‌ها مداخله کردند، نتوانستند مانع از پیشرفت مبارزات ملی-آزادی‌بخش عرب شوند. امپریالیست‌ها پس از تشکیل بلوک نظامی بغداد در سال ۱۹۵۵ مدتی مغرور بودند؛ اما خلق عرب به پیشروی ادامه داد. زمانی که جنگ تجاوزکارانه سوئز در سال ۱۹۵۶ توسط امپریالیست‌ها آغاز شد، خلق عرب صفوف خود را محکم‌تر کرد و قاطعانه با متجاوزان امپریالیست به مقابله برخاست. خلق عرب نه در برابر طرح‌های تجاوزکارانه علیه سوریه در سال ۱۹۵۷ و نه در برابر مداخله مسلحانه امپریالیسم آمریکا در لبنان و انقلاب عراق در سال ۱۹۵۸ مرعوب نشدند.

واقعیت‌ها نشان می‌دهند که خلق بزرگ عرب، دارای روحیه جنگی بی‌باکانه‌ای هستند و شکست‌های موقتی تنها اراده مبارزاتی آن‌ها را تقویت می‌کند.

رهبر کبیر خلق چین، صدر مائو گفته است: «مبارزه کردن، شکست خوردن، دوباره مبارزه کردن، دوباره شکست خوردن و باز هم مبارزه کردن تا پیروزی؛ این منطق خلق است».

این قانون مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون است. انقلاب خلق چین از این قانون پیروی کرده است. مبارزات ملی-آزادی‌بخش ملت‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین نیز از این قانون پیروی کرده‌اند. مبارزه خلق عرب علیه امپریالیسم و دست‌نشانده‌اش نیز به ناچار از این قانون پیروی خواهد کرد.

تمام نیروهای سیاسی جهان در جریان تحولات خاورمیانه، به‌ویژه در مقابل جنگ عادلانه خلق عرب علیه تجاوز، آزمون خود را پس داده‌اند. امپریالیسم به رهبری ایالات متحده، تجدیدنظرطلبان مدرن شوروی و مرتجعین کشورهای مختلف به هزار و یک روش، تجاوز اسرائیل را تحریک و تشویق کرده و تلاش داشته‌اند مبارزه خلق عرب علیه تجاوز را سرکوب کنند.

خلق چین و ملت‌های جهان در کنار خلق عرب ایستاده‌اند، توطئه بزرگ ضدانقلابی ایالات متحده، بریتانیا و شوروی را به‌طور کامل افشا کرده و تمام حمایت خود را از مبارزه خلق عرب علیه تجاوز ارائه کرده‌اند. این خط فاصل روشن میان دو اردوگاه است. این واقعیتی است که چشمان خلق عرب را باز کرده و برای آن‌ها آموزشی عمیق به همراه داشته است؛ به‌طوری که آن‌ها می‌توانند حتی بهتر تشخیص دهند که دشمنان پلیدشان چه کسانی هستند و رفقای وفادار و قابل اعتمادشان کیان‌اند.

چهره وحشیانه امپریالیسم آمریکا کاملاً آشکار شده است. واقعیت‌های بی‌پیرایه ثابت کرده‌اند که امپریالیسم آمریکا مقصر اصلی در صحنه‌سازی این جنگ تهاجمی است، جنایتکار اصلی سرکوب خلق عرب، بزرگترین متجاوز پیش‌برنده نواستعمار در جهان عرب و دشمن قسم‌خورده شماره یک ۱۰۰ میلیون خلق عرب است. چهره‌های تهاجمی امپریالیسم بریتانیا نیز به‌طور کامل افشا شده‌اند. این بریتانیا بود که همراه با ایالات متحده در طراحی و حمایت از حملات مسلحانه اسرائیل به کشورهای عربی شرکت کرد و به انواع و اقسام مانورهای سیاسی فریبکارانه برای اعمال فشار به آن‌ها دست زد. این امپریالیسم کهنه و زوال‌یافته به طرز دیوانه‌واری در ترویج نواستعمار خود تلاش می‌کند تا موقعیت استعماری لرزان خود در آسیا و آفریقا را حفظ کند.

امپریالیسم فرانسه که در جریان این وقایع ادعای «بی طرفی» می کرد، در واقع به همراه ایالات متحده، بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی به «سیاست قدرت های بزرگ» پرداخت و خود را در کنار متجاوزان آمریکایی-اسرائیلی قرار داد. تحولات اخیر در خاورمیانه درس مهمی به خلق عرب آموخت. آن ها به تدریج چهره های شیطانی باند تجدیدنظرطلب شوروی را به عنوان دوستی دروغین و خائنانه تشخیص دادند. تجاوز مسلحانه اسرائیل علیه خلق عرب در واقع حمله ای جنون آمیز بود که به طور مشترک توسط ایالات متحده و شوروی برنامه ریزی شده بود. این جنگ همچنین یک مانور سیاسی مشترک آمریکایی-شوروی بود که هدف آن به دام انداختن کشورهای عربی بود.

حقایق را بررسی کنید! باند تجدیدنظرطلب شوروی از یک سو «تضمین» می کرد که اسرائیل حمله نخواهد کرد و از سوی دیگر، دست در دست ایالات متحده، اسرائیل را به انجام یک حمله غافلگیرانه علیه کشورهای عربی واداشت و آن ها را بی خبر نگه داشت. یک روز از «حمایت» از خلق عرب سخن می گفت و روز دیگر در پشت صحنه با ایالات متحده همکاری می کرد و قطعنامه به اصطلاح «آتش بس» را در شورای امنیت سازمان ملل تهیه می دید، که خیانتی بی شرمانه به خلق عرب بود. آن ها علناً بیانیتهای متعدد و یادداشت های مکرری در «محکومیت» اسرائیل صادر می کردند، در حالی که در خفا با اسرائیل معامله می کردند. زمانی که اسرائیل کنترل تنگه تیران را به دست گرفت، اولین کشتی ای که از خلیج عقبه عبور کرد، کشتی شوروی بود. دستل تجدیدنظرطلب شوروی یک فریبکار بدنام و متخصص در دوگانگی هاست، یک خائن بزرگ به خلق عرب و در همدستی با امپریالیسم آمریکا و بریتانیا، قصابی که سرکوبگر مبارزات خلق عرب علیه تجاوز است.

مبارزه خلق عرب علیه تجاوز امپریالیستی طولانی خواهد بود. از نظر ماهیت و در بلندمدت، این خلق عرب هستند که واقعاً قدرتمندند. امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم بریتانیا، تجدیدنظرطلبان شوروی، و اسرائیل - همه بیرهای کاغذی هستند. این تنها یک پدیده موقتی است که اسرائیل با تکیه بر کمک‌های امپریالیسم آمریکا و بریتانیا و تجدیدنظرطلبی شوروی توانسته است برخی از سرزمین‌های عربی را با نیروی نظامی اشغال کند. خلق عرب دیر یا زود تمام سرزمین‌های خود را که اکنون تحت اشغال اجباری امپریالیسم و مزدور آن قرار دارد، آزاد خواهند کرد. بدهی امپریالیسم به آن‌ها بدون شک پرداخت خواهد شد. هیچ نیرویی روی زمین نمی‌تواند خلق عرب را از اجرای حق مقدس خود بازدارد!

در حال حاضر، یک وضعیت انقلابی عالی در سراسر جهان حاکم است. مبارزات علیه امپریالیسم آمریکا در همه جا شدیداً در حال گسترش است. خلق قهرمان ویتنام با بهره‌گیری کامل از قدرت بی‌نهایت جنگ توده‌ای، نزدیک به ۵۰۰,۰۰۰ نیروی مهاجم آمریکایی را شدیداً مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند. در سراسر گستره وسیع آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، توده‌ها بیش از هر زمان دیگری بیدار شده‌اند و شعله‌های انقلاب ضد امپریالیستی بیش از پیش برافروخته شده است. بلوک امپریالیستی به سوی فروپاشی پیش می‌رود و دسته تجدیدنظرطلبان مدرن با مشکلاتی دست به گریبان‌اند. وضعیت جهانی برای توده‌ها انقلابی تمام کشورها بسیار مطلوب و برای امپریالیسم بسیار نامطلوب است. این وضعیت برای خلق عرب که در مبارزه خود علیه تجاوز اصرار دارند، مطلوب است. هر چقدر که امپریالیسم به رهبری ایالات متحده مبارزات ناامیدانه‌ای انجام دهد و هر چقدر که تجدیدنظرطلبان مدرن شوروی فعالیت‌های خائنه انجام دهند، این روند کلی وضعیت جهانی هرگز قابل تغییر نیست. پیچ و

خم‌هایی که خلق عرب در مسیر مبارزه ضد امپریالیستی خود با آن مواجه می‌شوند، تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند پیشروی مستمر آن‌ها را متوقف کند.

صدر مائو گفته است: «توده‌ها، و تنها توده‌ها، نیروی محرک در بنانهادن تاریخ جهان هستند». خلق عرب سازندگان تاریخ عرب هستند. هیچ‌گونه تعدی یا تجاوز به سرزمین عرب توسط امپریالیسم و مزدوران آن تحمل نخواهد شد. تا زمانی که ۱۰۰ میلیون عرب، آگاهی سیاسی خود را افزایش دهند، سیاست‌های درستی اتخاذ کنند و در مبارزه پایدار بمانند، قطعاً خواهند توانست استعمارگران کهنه و نو، به سرکردگی ایالات متحده را بیرون برانند و تمامی متجاوزان را نابود سازند! خلق عرب، متحد شوید، تلاش‌های مستمر داشته باشید و وارد مبارزات طولانی و شدید شوید! ۷۰۰ میلیون خلق چین از شما حمایت می‌کنند، و تمامی خلق‌های انقلابی سراسر جهان نیز همین‌طور. پیروزی نهایی قطعاً از آن خلق قهرمان عرب خواهد بود.

قاطعانه امپریالیسم آمریکایی و نواستعمار آن را در هم بشکنید!

- روزنامه خلق (رِن مین ریائو)، ۱۲ ژوئن ۱۹۶۷ -

زیر پوشش «قطعنامه آتش بس» سازمان ملل، اسرائیل، مزدور امپریالیسم آمریکا، به حملات بی رحمانه خود علیه کشورهای عربی ادامه می دهد. این موضوع چهره خشمگین امپریالیسم آمریکا را که در حال اجرای طرح گسترش نواستعماری خود در خاورمیانه با تاکتیک های دوگانه ضدانقلابی است، بیش از پیش نمایان می کند: در حالی که با امپریالیسم بریتانیا و دسته حاکم تجدیدنظرطلب شوروی همدستی می کند تا در سازمان ملل یکی پس از دیگری برای «آتش بس» قطعنامه به تصویب برساند، اسرائیل را هدایت می کند تا به تدریج دامنه تجاوزات خود را گسترش دهد. سران واشنگتن، بزرگ و کوچک، بی درنگ دست امپریالیسم آمریکا را فاش کرده اند. لیندون جانسون با تهدید اعلام کرده است که «بسیاری از مسائل بنیادی دیگر باید سریعاً حل و فصل شوند تا این منطقه از ثبات واقعی برخوردار شود». آرتور گلدبرگ، نماینده آمریکا در سازمان ملل، حتی تا آن جا پیش رفته که خواستار «رویکردی دوگانه شده است که در آن تکمیل آتش بس با فراخوانی برای بحث های بلندمدت ترکیب شود»، و تأکید کرده است که «هیچ مسئله مهمی نباید مستثنی شود».

این «مسائل بنیادی» و «مسائل مهم» چیست؟ مسائل بنیادی و مهم در خاورمیانه باید شامل این موارد باشد: امپریالیسم آمریکا باید این منطقه را برای همیشه ترک کند، تمام نیروهای متجاوز از استعمار کهنه و نو باید از این منطقه خارج شوند و تهدید اسرائیل،

همچون خنجر امپریالیستی که به سمت کشورهای عربی نشانه رفته، باید پایان یابد. موضوع فوری در حال حاضر به طور قاطع متوقف کردن فعالیت های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و مزدور آن، اسرائیل، و تضمین حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهای عربی است. جانسون و یارانش عمدتاً از این موضوع اساسی دوری کردند و در حالی که اسرائیل را به افزایش حملات نظامی اش تشویق می کردند، «مسائل بنیادی» و «مسائل مهم» را مطرح کردند. این به وضوح تلاشی ست برای تحمیل شرایط تحقیرآمیز بر کشورهای عربی از طریق دخالت قدرت های بزرگ و با استفاده از موضع نظامی مطلوبی که اسرائیل به دست آورده است. چه نقشه شریانه ای که امپریالیست های ناامید آمریکایی به آن متوسل شده اند! تمایلات سرکش امپریالیسم آمریکا همچنین در «برنامه شش ماده ای» که توسط نخست وزیر کانادا، لستری پیرسون، پیشنهاد شده، قابل مشاهده است. این برنامه، که بر اساس طراحی های جانسون تنظیم شده، خواسته های غیرمنطقی زیادی از کشورهای عربی دارد. این برنامه نه تنها به دنبال نقض حاکمیت جمهوری متحد عربی بر خلیج عقبه است و تضمینی برای عبور ایمن تمامی کشتی های اسرائیلی در خلیج عقبه و کانال سوئز فراهم می کند و خلق فلسطین را از حق مشروع خود برای بازگشت به سرزمین شان محروم می کند، بل که از کشورهای عربی می خواهد که با استقرار «نیروهای سازمان ملل» در سرزمین خود موافقت کنند. به وضوح، امپریالیسم آمریکا به دنبال این است که بدین وسیله موضع تجاوزکارانه اسرائیل را تثبیت و گسترش دهد، کنترل خود را بر خاورمیانه تقویت کند و دکترین آیزنهاور را که آیزنهاور در سال ۱۹۵۸ موفق به تحقق آن نشد، به مرحله اجرا درآورد.

سگ شکاری، به خوبی نیت های صاحب خود را درک می کند. وزیر امور خارجه اسرائیل، ایبان، پس از بازگشت از سازمان ملل، به طرز متکبرانهای فریاد زد: «اسرائیل فرصت های خود را هدر نخواهد داد» و به این افتخار کرد که کشورش «به سمت امنیتی

وسیع‌تر و عمیق‌تر» پیش خواهد رفت. آیا این امر طراحی‌های جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا را به روشنی نمایان نمی‌کند؟ اکنون به‌وضوح می‌توان دید که رویدادها از آغاز تیراندازی اسرائیل تا درخواست سازمان ملل برای «آتش‌بس»، از «میانجی‌گری» چند قدرت بزرگ تا گسترش تجاوزات اسرائیل، همگی بخشی از توطئه‌ای بزرگ است که به‌دقت توسط امپریالیسم آمریکا و بریتانیا در همکاری با باند حاکم تجدیدنظرطلب شوروی برنامه‌ریزی شده است. این است طرح عملیاتی امپریالیسم آمریکا برای پیشبرد بیشتر نواستعمار در خاورمیانه. امپریالیسم آمریکا مدت‌هاست که طرح تقسیم کشورهای عربی و بردگی خلق عرب را در سر می‌پروراند تا نیروهای امپریالیستی بتوانند به کانال سوئز و جهان عرب بازگردند. امپریالیسم آمریکا دشمنی سرسخت برای خلق عرب است. تضاد بین امپریالیسم آمریکا و خلق عرب غیرقابل آشتی است. مبارزه بین خلق عرب از یک سو و امپریالیسم آمریکا و همدستانش از سوی دیگر، مبارزه‌ای حیاتی و عین مرگ و زندگی است. خلق عرب باید این مبارزه ضد تجاوز را تا انتها دنبال کنند.

صدر مائو گفته است: یکی از ویژگی‌های زمان ما، افزایش جنبش‌های رهایی‌بخش ملی در کشورهای آسیایی و آفریقایی است. استعمارگران تمام تلاش خود را می‌کنند تا این روند را به نفع خود تغییر دهند. اما... همه نقشه‌ها و تحریرات استعمارگران قطعاً با شکست‌های فاجعه‌آمیز مواجه خواهد شد.

این‌که امپریالیسم آمریکا بخواهد کشورهای عربی را تحت حاکمیت استعماری خود قرار دهد، صرفاً یک رویای بیهوده است. از طریق مبارزه کنونی، خلق عرب به‌وضوح به طبیعتِ تهاجمی امپریالیسم آمریکا پی برده است و به درک عمیق‌تری رسیده است که هرگز نمی‌توانند به سخنان زیبا و فریبنده امپریالیسم آمریکا باور کنند و نباید از تهدیدات آن ترس داشته باشند. آن‌ها باید مبارزه‌ای متقابل علیه آن انجام دهند. خلق

عرب با یک دشمن خشن روبه‌رو هستند و مبارزه آن‌ها دشوار خواهد بود؛ اما همان‌طور که رهبر کبیرمان، صدر مائو، اشاره کرده است: «در زمان‌های دشواری، نباید دستاوردهای خود را فراموش کنیم، باید به آینده روشن بنگریم و شجاعت‌مان را جمع کنیم.» ما مطمئنیم تا زمانی که خلق عرب از این مبارزه ضد تجاوز درس بگیرد، آگاهی سیاسی خود را افزایش دهد، اتحاد خود را تقویت کنند و به مبارزه طولانی مدت ادامه دهد، قطعاً طرح نواستعماری امپریالیسم آمریکا را به‌طور کامل در هم خواهد شکست و در مبارزه خود علیه تجاوز، پیروزی نهایی را به‌دست خواهد آورد.

هرچه بیشتر سعی کنند چهرهٔ خائنین تجدیدنظرطلب

شوروی را سفید کنند، کثیف‌تر می‌شود

- روزنامهٔ خلق (رن‌مین ریائو)، ۱۳ ژوئن ۱۹۶۷ -

باند حاکم تجدیدنظرطلب شوروی، به‌منظور پوشاندن خیانت خود به خلق عرب، گروه خائن تیتو و دیگران را گرد هم آورد و در تاریخ ۹ ژوئن بیانیهٔ مشترک هفت‌کشوری دربارهٔ وضعیت خاورمیانه صادر کرد. استفاده از این سند توخالی و بی‌ارزش به‌عنوان حمایت ظاهری، تلاشی بیهوده برای فریب خلق عرب بود. با این حال، این مانور ناشیانهٔ باند تجدیدنظرطلب شوروی، تنها به نمایان‌سازی بیشتر ویژگی‌های شرم‌آور آن‌ها به‌عنوان حامیان جعلی و خائنین واقعی خلق عرب کمک کرده است. همه می‌دانند که امپریالیسم آمریکا، مجرم اصلی ست و اسرائیل را به آغاز جنگ تجاوزکارانه تحریک کرده است. امپریالیست آمریکا نه‌تنها در طراحی، حمایت و هدایت اسرائیل در آغاز حملهٔ ناگهانی به کشورهای عربی نقش داشت، بلکه با نیروی هوایی‌اش حتی مستقیماً در اعمال تجاوزکارانهٔ اسرائیل دخالت کرد. با این حال، «بیانیهٔ مشترک» باند تجدیدنظرطلب شوروی، مانند بیانیه‌های قبلی‌اش، حتی یک کلمه هم در محکومیت امپریالیسم آمریکا ندارد. این چه چیزی را نشان می‌دهد جز این‌که دستهٔ تجدیدنظرطلب شوروی به‌دنبال تبرئه‌کردن امپریالیست‌های آمریکایی از جنایاتشان و ادامهٔ «همکاری» خود با آن‌ها هستند؟

بیانیهٔ مشترکی که توسط باند تجدیدنظرطلب شوروی با ریاکاری صادر شد، ظاهراً حمایت کامل خود را از مبارزهٔ عادلانهٔ کشورهای عربی اعلام کرد و بیان داشت که آن‌ها «همه چیز لازم را برای کمک به خلق کشورهای عربی در برابر مهاجمین انجام

خواهند داد». این سخنان بی‌ارزش و توخالی واقعاً مایوس‌کننده است! آیا شما تجدیدنظرطلبان شوروی در بیانیه ۲۳ می خود به‌طور آشکار اعلام نکردید که «کسانی که اقدام به تجاوز می‌کنند» با «عملیات قاطع شوروی علیه تجاوز» روبه‌رو خواهند شد؟ اما بعد از این‌که اسرائیل به تجاوز دست زد، چه «عملیاتی» انجام دادید؟ شما تنها با دستانی در آغوش هم، نظاره‌گر بودید؛ در حالی که کشورهای عربی تحت حمله اسرائیل بودند. درست است، شما اقداماتی هم انجام دادید: شما کاملاً با امپریالیسم آمریکا همکاری کردید، از اسرائیل حمایت کردید و به کشورهای عربی در سازمان ملل فشار آوردید؛ شما از سفارت‌های آمریکا و بریتانیا در مسکو محافظت کردید و مانع تظاهرات اعتراضی دانشجویان عرب، آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین شدید. آیا می‌توان این اقدامات شما را «عملیاتی علیه تجاوز» نامید؟ آیا این واقعاً همدستی و حمایت از تجاوز امپریالیسم آمریکا و اسرائیل نیست؟ پس از این‌که به بدترین شکل ممکن به خلق عرب خیانت کردید، با وقاحت به این می‌بالید که «به تعهدات بین‌المللی خود وفادار هستیم». چه جسارت بی‌شرمانه‌ای!

آن‌چه خیلی مضحک است این است که پس از صدور بیانیه مشترک، باند تجدیدنظرطلب شوروی با جدیت نمایش‌گونه‌ای اعلام کرد که روابط دیپلماتیک خود را با اسرائیل قطع کرده است. آن‌ها زمانی که اسرائیل تهدیدات جنگی خود را علیه کشورهای عربی عملی می‌کرد و همچنین پس از حمله ناگهانی اسرائیل به کشورهای عربی، چنین کاری نکردند. برعکس، آن‌ها همواره با این سگ شکاری امپریالیسم آمریکا در حال مماشات بوده و به‌طور پنهانی با آن همکاری کرده‌اند. حالا می‌خواهند از این ترفند استفاده کنند تا خشم خلق عرب را تسکین دهند. چگونه این ممکن است؟ علاوه بر این، دلیلی که آن‌ها برای قطع روابط با اسرائیل مطرح کردند این نبود که اسرائیل به کشورهای عربی تجاوز کرده است، بل این بود که اسرائیل «به» «قطعه‌نامه»

شورای امنیت» که با همکاری امپریالیسم آمریکا به عمل آمده بود، «توجهی نکرده است». این تنها نشان می‌دهد که آنچه آن‌ها سعی دارند حفظ کنند، نه منافع کشورهای عربی، بلکه برعکس، قدرت سازمان ملل است، ابزاری که مشترکاً توسط تجدیدنظرطلبان شوروی و امپریالیست‌های آمریکایی اداره می‌شود. آن‌ها می‌خواهند از این ابزار استفاده کنند تا کشورهای عربی را به مصالحه وادار کنند. بنابراین، تعجب‌آور نیست که مهاجمان اسرائیلی به سادگی به تصمیم شوروی برای قطع روابط بی‌اعتنا باشند.

این خیانت به خلق عرب توسط اند تجدیدنظرطلب شوروی در همدستی با امپریالیسم آمریکا، یک بدهی جدید به خلق‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است. آن‌ها یک گروه از خائنین سرسخت هستند. سال‌هاست که آن‌ها در خیانت‌ها شرکت کرده و به عنوان هم‌دستان امپریالیسم آمریکا در هر جا که انقلابی و مبارزه‌ای علیه تجاوز وجود دارد، عمل کرده‌اند. در شورای امنیت، آن‌ها بارها به حمایت از امپریالیسم آمریکا در استفاده از «نیروهای سازمان ملل» برای سرکوب مبارزه انقلابی خق کنگو (کینشاسا) رأی داده‌اند. آن‌ها در برابر تهدیدات جنگی امپریالیسم آمریکا سر تسلیم فروذ آورده و به طور علنی به خلق کوبا خیانت کرده‌اند.

آن‌ها از امپریالیسم آمریکا در استفاده از سازمان ملل برای مداخله در امور داخلی قبرس حمایت کردند. در مبارزه پاکستان علیه تهاجم هند، آن‌ها جانبداری خود را از مرتجعین هندی نشان دادند و پاکستان را مجبور کردند تا «آتش‌بس»ی را بپذیرد که به نفع هند بود. هنگامی که امپریالیسم آمریکا به سرکوب مسلحانه مبارزه میهن‌پرستانه خلق دومینیکن علیه امپریالیسم آمریکا پرداخت، تجدیدنظرطلب‌های شوروی از امپریالیسم آمریکا در استفاده از سازمان ملل برای مداخلات بیشتر حمایت کردند. در مسئله ویتنام، آن‌ها تمام تلاش خود را می‌کنند تا به برنامه‌های امپریالیستی آمریکا در

«اجبار به مذاکرات صلح از طریق جنگ» و «تحریک به مذاکرات صلح جویانه از طریق توقف بمباران» خدمت کنند و در تلاش‌اند تا شعله‌های مبارزه خلق ویتنام برای نجات ملی و مبارزه علیه تهاجم آمریکا را خاموش کنند.

خلق‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین دیر یا زود با آن‌ها به خاطر اعمال خائنانه‌شان تسویه حساب خواهند کرد. فرقی نمی‌کند چه حقه‌هایی به کار ببرند، آن‌ها هرگز نمی‌توانند از مجازات تاریخ فرار کنند. این عمل خیانت توسط باند تجدیدنظرطلب شوروی خشم شدید خلق عرب را برانگیخته است. در تظاهرات، آن‌ها فریاد می‌زدند «مرگ بر کاسیگین!» و «شوروی، از خاورمیانه بیرون برو!». خلق عرب اکنون به وضوح دیده‌اند که باند تجدیدنظرطلب شوروی، دوستانی دروغینی هستند که بر زبان‌شان عسل و در دل‌شان [سودای] قتل است و آن‌ها هم‌دستان وفادار امپریالیسم آمریکا و بریتانیا هستند.

صدر مائو گفته است: «دشمنان ما کیان‌اند؟ دوستان ما چه کسانی هستند؟ این سؤالی است که برای انقلاب از اهمیت بالایی برخوردار است». خلق عرب در جنگ کنونی خود علیه تجاوز، به‌طور واضح‌تری دریافته است که دشمنان و دوستان‌شان کیان‌اند. آن‌ها قطعاً خواهند توانست با اتکا به قدرت خود، با دوستان واقعی‌شان متحد شده و مبارزه علیه امپریالیسم ایالات متحده و همدستانش را تا پایان ادامه دهند و به پیروزی کامل دست یابند.

طبیعت ارتجاعی سازمان ملل متحد، آن چنان که از حوادث خاورمیانه مشخص است

- روزنامه خلق (رنمین ریپائو)، ۱۴ ژوئن ۱۹۶۷ -

سازمان ملل چه نوع سازمانی است؟ در پرتو حوادث اخیر خاورمیانه، خلق‌های سراسر جهان بیش از هر زمان دیگری متوجه شده‌اند که سازمان ملل ابزاری کاملاً در خدمت تجاوزات امپریالیسم ایالات متحده، وسیله‌ای برای همکاری ایالات متحده و شوروی در سرکوب جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و ابزاری برای سیاست‌های قدرت است.

جنگ تجاوزکارانه اخیر اسرائیل علیه کشورهای عربی، توسط امپریالیسم ایالات متحده شعله‌ور شد. هدف آن پیشبرد برنامه‌های جنایتکارانه نواستعماری خود در خاورمیانه بود. ایالات متحده نه تنها اسرائیل را هدایت کرد تا این جنگ تجاوزکارانه را آغاز کند، بلکه خود نیز در این اقدام تجاوزکارانه شرکت داشت؛ اما آیا سازمان ملل اسرائیل را محکوم کرد؟ خیر. آیا امپریالیسم ایالات متحده را محکوم کرد؟ قطعاً نه.

هنگامی که اسرائیل آماده شلیک و آغاز تجاوز بود، اوتانت، دبیرکل سازمان ملل، به جای رفتن به تل‌آویو برای مهار اسرائیل، به قاهره شتافت تا «خوشتن‌داری» را به کشورهای عربی بیاموزد. آیا این به‌وضوح تلاشی برای پنهان کردن حمله غافلگیرانه اسرائیل نبود؟

پس از آن که اسرائیل حمله ناگهانی خود را به کشورهای عربی آغاز کرد، سازمان ملل به جای انجام هر اقدامی برای جلوگیری از تهاجم اسرائیل، سریعاً دستوری برای «آتش بس فوری» صادر کرد. آیا این به وضوح طراحی نشده بود تا از کشورهای عربی در برابر حملات تلافی جویانه جلوگیری کند؟

باز هم، پس از این که نیروهای مهاجم اسرائیلی بخش های وسیعی از سرزمین عربی را اشغال کردند، سازمان ملل قطعنامه ای برای «آتش بس در یک زمان معین» را تصویب کرد که توسط تجدد نظر طلبان شوروی ارائه شد. هدف دیگری جز پشتیبانی از تهاجمان های آمریکایی-اسرائیلی و به رسمیت شناختن گسترش اسرائیل چه می توانست باشد؟ واقعیت ها به وضوح نشان می دهد که سازمان ملل تمام این کارها را تحت دیکته امپریالیسم آمریکا و با مشارکت تجدد نظر طلبان شوروی انجام داده است. این سازمان وفادارانه به امپریالیسم آمریکا خدمت کرده و به تمام نیازهای آن پاسخ می دهد. پس از تصویب قطعنامه «آتش بس» توسط سازمان ملل، ماشین تبلیغاتی آمریکا از آن به عنوان «پیروزی بزرگ برای دیپلماسی آمریکا» تجلیل کرد. این خود به وضوح نشان می دهد که سازمان ملل کاملاً ابزاری برای امپریالیسم آمریکا در تهاجم نواستعماری اش است.

امپریالیست های آمریکا هر بار که از سازمان ملل برای اجرای سیاست های تهاجمی خود استفاده می کنند، حمایتی قوی از تجدد نظر طلبان شوروی دریافت می کنند. در گذشته این گونه بوده و حالا هم به مراتب بیشتر هست. امپریالیست های آمریکا و باند تجدد نظر طلبان شوروی در پشت درهای بسته و از طریق «خط داغ» ملاقات کرده و از مدت ها پیش به یک توافق ضمنی دست یافته اند. حال آن ها همکاری نزدیک تری را برای استفاده از سازمان ملل به منظور سرکوب مبارزه عادلانه خلق عرب آغاز کرده اند. چقدر نزدیک و هماهنگ عمل کرده اند! امپریالیسم آمریکا و تجدد نظر طلبان شوروی

به‌طور فزاینده‌ای از سازمان ملل به‌عنوان بازار بورسِ معاملات ضدانقلابی استفاده کرده‌اند.

سازمان ملل همواره تحت تأثیر برخی قدرت‌های بزرگ بوده است؛ اما این بار به‌ویژه در «سیاست قدرت» آمریکا، شوروی و بریتانیا در سازمان ملل، کاملاً عریان است. آن‌ها در معاملات پنهانی با یکدیگر، یکی پس از دیگری بیانیه یا قطعنامه صادر یا تنظیم کردند تا ظاهری بی‌طرفانه از خود نشان دهند؛ اما آن‌چه در واقع انجام دادند، چیزی جز خفت نبود. همه اقداماتی که انجام دادند، تلاشی برای مداخله و تسلط بر کل دنیای عرب از طریق سازمان ملل بود. برای آن‌ها، استقلال ملی، تمامیت ارضی و حق دفاع از خود کشورهای عرب وجود ندارد و فقط آن‌چه که خود می‌گویند معتبر است. هنگامی که آن‌ها توافقی می‌کنند و قراردادی با تأیید سازمان ملل صادر می‌کنند، آن سند برای سایر کشورها دارای اعتبار است. آن‌ها اجازه می‌دهند دیگران تحت ستم قرار بگیرند در حالی که اجازه نمی‌دهند دیگران در برابر آن‌ها مقاومت کنند. آن‌ها باند استبدادگران بزرگ در عرصه سیاست بین‌المللی هستند و سازمان ملل تنها جایی است که آن‌ها غنائم را میان خود تقسیم کنند. با این حال، همان‌طور که رهبر کبیر ما، صدر مائو، گفته است: «گرگ‌های امپریالیست باید به یاد داشته باشند روزهایی که می‌توانستند سرنوشت بشریت را کنترل کنند و کشورهای آسیایی و آفریقایی را به دلخواه خود تقسیم کنند، برای همیشه به پایان رسیده است.» آیا قابل تصور است که ۱۰۰ میلیون عرب اجازه دهند سرنوشت آن‌ها توسط این استبدادگران بزرگ در سازمان ملل مدیریت شود؟ آیا قابل تصور است که چند قدرت بزرگ بتوانند بر دنیای وسیع عرب تسلط یابند؟ نه، قطعاً نه. دنیای عرب متعلق به خلق عرب است و سرنوشت خلق عرب فقط در دستان خود عرب‌ها می‌تواند باشد. هرکس بخواهد از موقعیت خود به‌عنوان «قدرت بزرگ» برای زورگویی به خلق عرب استفاده کند، سرش

به دیوار خواهد خورد. طوفان مبارزهٔ خلق عرب علیه تهاجم، این استبدادگران
امپریالیستی و تجدیدنظرطلب را به زباله‌دانِ تاریخ خواهد انداخت.

خیزش طوفانی خلق عرب علیه امپریالیسم آمریکا گریزناپذیر است!

- سرمقاله روزنامه خلق (رنمین ریباو)، ۱۵ ژوئن ۱۹۶۷ -

اگرچه جنگ کشورهای عربی علیه تجاوز به دلیل هم‌دستی امپریالیسم آمریکا و بریتانیا و خیانت حاکمیت تجدیدنظرطلب شوروی دچار شکست موقتی شد، شعله‌های مبارزه خلق عرب علیه آمریکا همچنان شدیداً سوزان است. امپریالیسم آمریکا و همدستانش ممکن است بتوانند کشورهای عربی را تحت فشار قرار دهند تا آتش‌بس را بپذیرند؛ اما هرگز نمی‌توانند آتش انقلاب مبارزه ضد امپریالیستی خلق عرب را خاموش کنند.

در حال حاضر، توده‌های بسیاری در پایتخت‌های مختلف عربی در اعتراض به جنایات هولناک امپریالیسم آمریکا و بریتانیا تظاهرات عظیمی برپا می‌کنند. بسیاری از کشورهای عربی روابط دیپلماتیک خود را با ایالات متحده قطع کرده و تأمین نفت به امپریالیسم آمریکا و بریتانیا را متوقف کرده‌اند. جمهوری متحد عربی کانال سوئز را بسته است. در برخی کشورهای عربی، خلق از دولت‌های خود درخواست سلاح برای مقاومت در برابر تجاوز دارند. کارگران در برخی مناطق از انتقال نفت به پایگاه‌های نظامی امپریالیستی در مناطق همسایه خودداری کرده‌اند. خلق عرب به شیوه‌های مختلف ضرباتی به امپریالیسم آمریکا و دست‌نشانندگان آن وارد می‌کنند. شعارهای قدرتمندی همچون «مرگ بر استعمارگران آمریکا و بریتانیا و سگ وفادارشان،

اسرائیل!»، «تجدیدنظرطلبان شوروی خائن هستند!» و «ما می‌خواهیم بجنگیم!» در سرتاسر سرزمین‌های عرب طنین‌انداز است. آفرین! خلق عرب، خلقی قهرمان، شکست‌ناپذیر و تسلیم‌ناشدنی هستند.

تضادهای بین خلق عرب از یک سو و امپریالیسم ایالات متحده و مزدوران آن از سوی دیگر، آشتی‌ناپذیر هستند. امپریالیسم و استعمار به مدت طولانی استثمار بی‌رحمانه، غارت، سرکوب و تجاوز را در جهان عرب انجام داده‌اند. خلق عرب مبارزات قهرمانانه و سختی را برای استقلال ملی به پیش برده‌اند. در حال حاضر، امپریالیسم به رهبری ایالات متحده، در تبانی با گروه حاکم تجدیدنظرطلب شوروی، نقشه‌های جنایتکارانه نواستعماری خود را از طریق ابزار تجاوز خود، اسرائیل، تشدید کرده و تهدید جدی برای بقای ملت عرب ایجاد کرده‌اند. خلق عرب، که نمی‌خواهند سرزمین‌هایشان توسط متجاوزان تسخیر شود و به بردگان نواستعماری تبدیل شوند، عزم خود را برای ادامه این مبارزه علیه تجاوز تا رسیدن به پیروزی نهایی نشان داده‌اند.

جنگ، توده‌ها را بیدار و آگاه کرده است. در چند روز جنگ، آگاهی سیاسی خلق عرب بیشتر از چندین سال صلحی که جریان داشت رشد کرده است. این جنگ علیه تجاوز، نقش بسیج، آموزش و تقویت خلق را ایفا کرده است.

از طریق این جنگ، خلق عرب بیش از پیش متوجه شده است که امپریالیسم ایالات متحده دشمن مرگبار آن‌هاست و نباید هیچ‌گونه توهمی درباره آن داشته باشند. تنها از طریق مبارزهای متقابل با امپریالیسم آمریکا است که می‌توان به پیروزی‌های پیوسته در راه آزادی ملی خلق عرب دست یافت.

از طریق این جنگ، خلق عرب بیشتر به ویژگی‌های زشت گروه تجدیدنظرطلب خائن شوروی به‌عنوان هم‌دست امپریالیسم ایالات متحده پی برده‌اند. آن‌ها دوستان خود را از

دشمنان‌شان بهتر تشخیص داده‌اند. بنابراین، در دام همکاران و هم‌دستان امپریالیسم که ظاهراً لب‌هایشان پر از عسل است و در دل‌شان قتل، گرفتار نخواهند شد و با خلق آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و با تمام خلق انقلابی جهان متحد خواهند شد تا با ثبات به سمت پیشرفت و پیروزی در مبارزهٔ انقلابی ضد امپریالیستی حرکت کنند.

طبیعی است که کشورهای مختلف، طبقات اجتماعی مختلف و نیروهای سیاسی مختلف در جهان عرب، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به وضعیت کنونی خاورمیانه داشته باشند؛ اما یک چیز مشخص است: هرکسی که سعی کند جهت نيزهٔ مبارزه را نه به سوی دشمنان مرگبار خلق عرب و شرکای آن‌ها، بلکه به سوی دوستان خلق عرب نشانه بگیرد و با دوستانِ دشمن، همراه شود، هیچ‌گونه شانسی برای جلب حمایت خلق عرب نخواهد داشت و قطعاً مورد تحقیر و بی‌اعتنایی قرار خواهد گرفت.

خلق عرب در این جنگ، آزمون سختی را پشت سر گذاشته است. آن‌ها در این مبارزه درس خواهند گرفت و در این راه شکل خواهند یافت. نیروهای تازه به وجود آمده از توده‌ها پیوسته در صحنه ظاهر خواهند شد. این نیروهای تازه تولد یافته رشد خواهند کرد و به تکیه‌گاه اصلی ملت عرب تبدیل خواهند شد.

راه مبارزه همیشه پر پیچ و خم و به هیچ وجه صاف و مستقیم نیست. خلق ناگزیر است برای پیشبرد پیوستهٔ آرمان انقلابی ضد امپریالیستی خود، مسیری پر از چرخش‌ها و سختی‌ها را طی کنند.

خلق عرب اکنون در میدان مبارزه دچار شکستی موقت شده است؛ اما جای نگرانی نیست. آیا ویتنامی‌ها یکی پس از دیگری بر دشواری‌ها غلبه نکرده و پس از نبردی طولانی و سخت، به وضعیت مطلوبی که اکنون دارند نرسیده‌اند؟ به شرطی که خلق عرب بتواند تجربیات خود را جمع‌بندی کرده و از فراز و نشیب‌ها درس بگیرند،

نیروهای خود را سازماندهی و انباشت کرده و در مبارزه پافشاری کنند، قطعاً می‌تواند بر هر دشواری‌ای در مسیر خود به سمت آینده‌ای روشن غلبه کنند.

رهبر کبیر خلق چین، صدر مائو به ما می‌آموزد: «موج خروشان خلق‌های جهان علیه متجاوزان آمریکایی گریزناپذیر است. مبارزه آن‌ها علیه امپریالیسم آمریکا و نوجه‌هایش قطعاً به پیروزی‌های بزرگ‌تری خواهد انجامید.»

جریان‌های مخالفی که در کشورهای عربی توسط امپریالیسم و تجدیدنظرطلبان شوروی به راه افتاده‌اند، به هیچ وجه نمی‌توانند جریان اصلی جنبش‌های بخش ملت عرب را به عقب برگردانند. موج خروشان خلق عرب علیه امپریالیسم آمریکا گریزناپذیر است، همان‌طور که موج خروشان خلق‌های جهان علیه این دشمن مشترک گریزناپذیر است. امروز، جهان وارد دوره نوین و بزرگی شده است. نیروهای انقلابی خلق‌های جهان بسیار قوی‌تر از نیروهای ضدانقلاب هستند. وضعیت بین‌المللی و توازن نیروهای طبقاتی بین‌المللی شدیداً به نفع خلق عرب است. مبارزه خلق عرب حمایت و پشتیبانی خلق‌های سراسر جهان را به دست آورده است. مبارزات خلق‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و مبارزات عادلانه خلق‌های جهان یکدیگر را تقویت می‌کنند. مبارزه خلق عرب علیه تجاوزگری حمایت و تشویق بزرگی برای خلق ویتنام که دلیرانه در برابر امپریالیسم آمریکا مقاومت می‌کنند و برای تمام خلق‌های جهان که در مبارزات ضد امپریالیستی شرکت دارند، محسوب می‌شود. همچنین، پیروزی‌های بزرگ مبارزه خلق ویتنام برای مقابله با تجاوزگری آمریکا و نجات کشورشان و مبارزات آزادی‌بخش ملی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، حمایتی قوی برای خلق عرب در مبارزه‌شان به حساب می‌آید.

۷۰۰ میلیون خلق چین قابل اعتمادترین و وفادارترین هم‌زمان ملت عرب در مبارزه ضد امپریالیستی آن‌ها هستند. خلق چین با قاطعیت و از صمیم قلب در کنار آن‌ها قرار دارند. ما مطمئن هستیم که خلق عرب، با اتحاد و مبارزه‌ای طولانی و قهرمانانه، می‌توانند قطعاً امپریالیسم آمریکا و نوچه‌هایش را به‌طور کامل در هم بشکنند و پیروزی بزرگی را به دست آورند.

امپریالیسم آمریکا، مهندسی تجاوز مسلحانه اسرائیل علیه کشورهای عربی را بر عهده دارد

- مقاله‌ای از خبرنگار روزنامه خلق (رئیس‌رئیس)، ۶ ژوئن ۱۹۶۷ -

در صبح روز ۵ ژوئن، اسرائیل که ابزاری ست برای تجاوز امپریالیسم ایالات متحده در خاورمیانه، به‌نحو آشکار حمله بزرگ هوایی و زمینی‌ای علیه جمهوری متحد عربی آغاز کرد و بدین‌وسیله جنگی تجاوزگرانه علیه کشورهای عربی به راه انداخت.

این اقدام، تجاوزی ست که اسرائیل مدت‌ها برای آن نقشه کشیده بود. این جنایت بزرگی است که توسط امپریالیسم ایالات متحده علیه کشورهای عربی مهندسی شده است.

ماشین تبلیغاتی ایالات متحده چند روز پیش از آن تبلیغ کرده بود که اسرائیل باید «اقدامات سریع و قاطعانه‌ای» انجام دهد و کشورهای عربی را «غافلگیر» کند. سپس، در اول ژوئن، کابینه اسرائیل بازسازی شد و آمادگی‌ها برای تجاوز نظامی شدت گرفت. دایان که در سال ۱۹۵۶ فرمانده ارتش متجاوز اسرائیل در حمله به مصر بود، به‌عنوان وزیر دفاع منصوب شد و به محض این‌که به چنین سمتی رسید، اعلام کرد که اسرائیل «اعراب را شکست خواهد داد». در ۴ ژوئن، کابینه جدید اسرائیل، جلسه‌ای اضطراری برگزار کرد و در آن سفیر اسرائیل در ایالات متحده که با نامه‌ای محرمانه از طرف رئیس‌جمهور جانسون از واشنگتن به‌طور ویژه بازگشته بود، شرکت داشت. او همان شب با عجله به ایالات متحده بازگشت. روز بعد، اسرائیل حمله غافلگیرانه خود را

علیه کشورهای عربی آغاز کرد. این وقایع به وضوح نشان می دهند که اقدام تجاوزکارانه اسرائیل به طور کامل ساخته و پرداخته امپریالیسم ایالات متحده است.

اسرائیل - سگ نگهبان امپریالیسم ایالات متحده در خاورمیانه

اسرائیل، سگی نگهبان است که منافع نواستعماری امپریالیسم ایالات متحده در خاورمیانه را حفظ می کند. این کشور، ابزاری ست در دست امپریالیسم ایالات متحده برای سرکوب جنبش های آزادی بخش ملی کشورهای عربی. با حمایت و تشویق امپریالیسم آمریکا، مرتجعین اسرائیلی اخیراً پیوسته درباره «استفاده از زور علیه سوریه» و «سرنگونی دولت سوریه» جنگ طلبی کرده اند. پس از آن که سوریه، جمهوری متحد عربی و دیگر کشورهای عربی، یکی پس از دیگری نیروهای خود را بسیج کرده و اقدامات دفاعی در برابر تجاوز اتخاذ کردند، امپریالیسم ایالات متحده و اسرائیل در طرح متجاوزانه خود علیه کشورهای عربی، همکاری نزدیک تری به عمل آوردند.

اسرائیل نیرویی بیش از ۸۰,۰۰۰ نفر از کل توان نظامی ۱۱۰,۰۰۰ نفری خود را در طول مرزهای جمهوری متحده عربی و سوریه مستقر کرد و آماده حمله شد. در عین حال، وزیر امور خارجه خود، ایبان، را به ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی برای درخواست کمک فرستاد. بر اساس منابع اسرائیلی، ایبان «موفق به گرفتن تعهدی برای اقدام آمریکا و نه فقط وعده های ضعیف حمایت شد». امپریالیسم ایالات متحده نیز تحویل تجهیزات نظامی به اسرائیل را برای تقویت نیروهای نظامی آن به منظور تجاوز، سرعت بخشید.

خصوصیت از پیش طراحی شده امپریالیسم آمریکا علیه کشورهای عربی

در حالی که دولت جانسون تمام تلاش خود را برای تحریک و حمایت از اسرائیل جهت آغاز جنگ به کار می برد، به طور جنون آمیزی فشارهای سیاسی و نظامی خود را بر کشورهای عربی اعمال می کرد و با تجدیدنظرطلبان شوروی و بریتانیا در توطئه های برای خاموش کردن شعله های مبارزه خلق عرب علیه امپریالیسم آمریکا و مزدورش اسرائیل، هم دست می شد. پس از این که دولت جمهوری متحد عربی (U.A.R) اعلام کرد که خلیج عقبه را مسدود می کند - اقدامی که برای مقابله با تهدیدات تجاوزگرانه اسرائیل انجام شد - دولت جانسون بلافاصله از همه جهات، شروع به فشار آوردن بر جمهوری متحد عربی کرد. در ۲۳ می، جانسون بیانیه ای صادر کرد و این اقدام عادلانه جمهوری متحد عربی را «غیرقانونی و بالقوه فاجعه آمیز برای آرمان صلح» خواند و محکوم کرد. روز بعد، طبق گزارش یونایتد پرس اینترنشنال، سفیر ایالات متحده در جمهوری متحد عربی، با جسارت به این کشور «هشدار» داد که ایالات متحده «در صورت لزوم برای باز نگه داشتن خلیج عقبه، از زور استفاده خواهد کرد». همزمان، جانسون او تانت، دبیرکل سازمان ملل، را تحریک کرد تا به قاهره برود و تلاش کند دولت جمهوری متحد عربی را وادار به تغییر تصمیم خود درباره محاصره خلیج عقبه کند؛ اما با پاسخ قاطع جمهوری متحد عربی روبه رو شد.

باند تجدیدنظرطلب شوروی به عنوان هم دست امپریالیسم آمریکا عمل می کند

باند حاکم تجدیدنظرطلب شوروی در مسأله خاورمیانه به عنوان هم دست تمام عیار امپریالیسم آمریکا ظاهر شده اند. خبرگزاری های غربی فاش کرده اند که اخیراً تماس های مخفی و مکرری میان اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده بر سر مسئله

خاورمیانه برقرار شده است. روزنامه‌های بریتانیایی گزارش داده‌اند که جانسون یک «درخواست فوری و مخفیانه» برای «اقدام مشترک دیپلماتیک» به رهبران تجدیدنظرطلب شوروی ارسال کرده و ایالات متحده تعهدی از روسیه مبنی بر نگرانی مثبت برای حفظ صلح دریافت کرده است. درست در همان روزی که جانسون بیانیه‌ای صادر کرد، باند تجدیدنظرطلب شوروی نیز بیانیه‌ای منتشر کردند که به‌طور ظاهری از کشورهای عربی حمایت می‌کرد. در این بیانیه هیچ اشاره‌ای به تجاوز امپریالیستی آمریکا نشده بود و با اهداف پنهان اعلام کردند که اتحاد جماهیر شوروی «تمام تلاش خود را برای جلوگیری از نقض صلح و امنیت در خاور نزدیک انجام خواهد داد».

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که از آن زمان به بعد، هم مقامات رسمی و هم روزنامه‌های باند تجدیدنظرطلب شوروی، از ابراز حمایت مثبت از اقدام عادلانه جمهوری متحد عربی در محاصره خلیج عقبه خودداری کردند. به همین دلیل بود که خبرنگار UPI، استوارت هنسلی، در اول ژوئن نوشت که «به‌رغم تبلیغات شدید شوروی... مقامات آمریکایی بر اساس گفت‌وگوهای خصوصی با مسکو احساس می‌کنند که کرملین نمی‌خواهد تا آن حد پیش برود که درگیری نظامی مستقیم داشته باشد». در همین حال، وزیر امور خارجه بریتانیا، جورج براون، به‌سرعت به اتحاد جماهیر شوروی و وزیر مشاور دولت، جورج تامسون، به ایالات متحده سفر کردند تا مذاکرات محرمانه‌ای در مورد وضعیت خاورمیانه برگزار کنند. پس از گفت‌وگوهای خود با رهبران تجدیدنظرطلب شوروی، براون در ۲۶ می با رضایت اعلام کرد که مذاکراتش درباره مسئله خاورمیانه «بسیار جامع، بسیار دقیق، فوق‌العاده دوستانه و به‌نظر من سازنده» بوده است. روزنامه «دیلی میرر» بریتانیا گزارش داد که براون یک «تعهد مخفیانه از روسیه برای کمک به کاهش بحران خاورمیانه» به‌دست آورده است.

این حقایق نشان می‌دهد که شوروی، ایالات متحده و بریتانیا در مورد مسأله خاورمیانه به‌طور کامل با یکدیگر هم‌دست هستند و اقدامات مشترکی انجام می‌دهند. هدف مشترک آن‌ها این است که کشورهای عربی را دست و پا بسته کرده و مانع از مقابله آن‌ها با تجاوز اسرائیل شوند و همچنین مبارزه خلق عرب علیه امپریالیسم آمریکا را سرکوب کنند.

خلق عرب با تهدیدهای قدرت‌نمایانه مرعوب نمی‌شوند

در این میان، تعداد زیادی از ناوهای جنگی ایالات متحده، بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی در اطراف دریای مدیترانه شرقی و دریای سرخ تجمع کرده‌اند و این مسئله، نشان از مداخله نظامی دارند. «فرماندهی ضربت ایالات متحده» - که به‌طور خاص برای سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی خلق آسیا و آفریقا تشکیل شده بود - نیز استقرار نیروهای خود برای تهاجم نظامی در خاورمیانه را تشدید کرده است. ویلیام آی. مارتین، فرمانده ناوگان ششم ایالات متحده، در تاریخ ۳۰ می آشکارا اعلام کرد که ایالات متحده محاصره خلیج عقبه توسط جمهوری متحد عربی را در هم خواهد شکست و برنامه‌هایی برای چنین عملیاتی تدوین کرده است. بسیاری از گزارش‌ها از ایالات متحده و بریتانیا حاکی از آن بود که این دو کشور قصد داشتند نیروی دریایی ویژه‌ای برای «اسکورت» کشتی‌های اسرائیلی از طریق محاصره تشکیل دهند. این یک تهدید آشکار به استفاده از زور علیه جمهوری متحد عربی بود.

باند تجدیدنظرطلب شوروی، درباره این استقرارهای نظامی ایالات متحده و بریتانیا کاملاً سکوت اختیار کرد. علاوه بر این، ناوهای جنگی شوروی اخیراً به‌طور شرم‌آوری به ناوهای جنگی ایالات متحده در مدیترانه علامت خوش‌آمدگویی دادند. پس از

مذاکرات با نخست‌وزیر کانادا، پیرسون، نخست‌وزیر بریتانیا، ویلسون، در ۲ ژوئن به ایالات متحده رفت تا مذاکرات مخفیانه‌ای با جانسون در مورد خاورمیانه برگزار کند. بر اساس گزارش‌های مطبوعات غربی، آن‌ها در مورد «لزوم اقدام فوری برای حل بحران خاورمیانه» به توافق رسیدند؛ این «اقدامات فوری» شامل اعمال فشار سیاسی و اقتصادی همه‌جانبه بر کشورهای عربی از طریق تمام کانال‌های داخلی و خارجی سازمان ملل، سازمان‌دهی کاروان‌های بین‌المللی برای اسکورت کشتی‌های اسرائیلی از طریق خلیج عقبه و بازگرداندن اجباری «نیروهای حافظ صلح سازمان ملل» به خاورمیانه بود.

پس از این مذاکرات، واشنگتن پُست گزارش داد که احتمال استفاده از زور علیه کشورهای عربی «رو به افزایش است». بعد از آن بود که اسرائیل جنگ تجاوزکارانه‌ای علیه کشورهای عربی آغاز کرد. کشورهای عربی به‌وضوح می‌بینند که امپریالیسم ایالات متحده با تجدیدنظرطلبان شوروی و بریتانیا برای حمایت از تجاوز اسرائیل هم‌دست بوده است. رئیس‌جمهور ناصر از جمهوری متحد عربی، اخیراً تأکید کرده که «اسرائیل بدون کمک اقتصادی و نظامی آمریکا یک روز هم نمی‌توانست دوام بیاورد» و «دشمنان ما اسرائیل، ایالات متحده و بریتانیا هستند». با این حال، تجاوز امپریالیسم ایالات متحده و دست‌نشانده‌اش اسرائیل نمی‌تواند خلق عرب را مرعوب کند. اکنون خلق کشورهای عربی به‌طور قهرمانانه‌ای در حال مقابله هستند. آن‌ها نه تنها مهاجمان اسرائیلی را شکست خواهند داد، بلکه طرح‌های تجاوزکارانه امپریالیسم ایالات متحده و بریتانیا علیه کشورهای عربی را نیز خنثی خواهند کرد.

جنايات تجدیدنظرطلبان شوروی در خیانت به خلق عرب

- خبرگزاری شین هوا، ۱۲ ژوئن ۱۹۶۷ -

تجدیدنظرطلبان شوروی دائماً به منافع خلق عرب خیانت کرده و در همکاری با امپریالیست‌های آمریکایی و بریتانیایی، به عنوان همکار شماره یک آن‌ها عمل کرده‌اند.

هنگامی که خروشچف قدرت‌های حزبی، دولتی و نظامی را در اتحاد جماهیر شوروی تصرف کرد، تلاش کرد تا با امپریالیسم آمریکا رابطه برقرار کند تا شعله‌های سرکش مبارزه خلق عرب علیه امپریالیسم آمریکا را خاموش کند. پس از سقوط او، برژنف، کاسیگین و همراهانش جایگاه او را به ارث برده و هم‌دستی خود را با امپریالیسم آمریکا افزایش دادند. آن‌ها خیانت‌های بیشتری به منافع خلق عرب انجام داده‌اند.

تجدیدنظرطلبان شوروی به هزار و یک روش از اسرائیل، آلت دست مهاجمان امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه، دفاع کرده و از اقدامات تهاجمی آن حمایت کرده‌اند. در آوریل ۱۹۶۶، وزیر خارجه شوروی، آندری گرومیکو، با وزیر خارجه اسرائیل، آبا ایبان، درباره «توسعه بیشتر» روابط دوجانبه‌شان گفت‌وگو کرد. بعدها ایبان فاش کرد که اسرائیل کاملاً از نزدیکی بین دو کشور رضایت دارد. تجارت بین آن‌ها در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته است. حجم کل کالاهای وارداتی شوروی از اسرائیل در بین ماه‌های ژانویه و نوامبر ۱۹۶۶، چهار برابر مدت مشابه سال قبل بود. علاوه بر این، تجدیدنظرطلبان شوروی تعداد زیادی از یهودیان شوروی را تشویق کردند تا به اسرائیل مهاجرت کنند. در طول سفر خود به پاریس در دسامبر ۱۹۶۶، کاسیگین، رهبر تجدیدنظرطلبان شوروی، در یک بیانیه عمومی محدودیت‌های مهاجرت یهودیان

شوروی به اسرائیل را لغو کرد. بر اساس یک تخمین، از بیش از ۴۰۰/۰۰۰ یهودی که در طول ده سال گذشته به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند، بیشتر آن‌ها از شوروی و برخی کشورهای اروپای شرقی آمده‌اند. یک فلسطینی به‌طور صریح گفته است: «آمریکا برای اسرائیل تسلیحات فراهم می‌کند و شوروی نیروی انسانی.

آمریکا، شوروی و اسرائیل دست در دست هم به‌عنوان دشمن خلق فلسطین عمل می‌کنند.» در همکاری با امپریالیسم آمریکا، تجدیدنظرطلبان شوروی بارها طرح «آشتی» بین کشورهای عرب و اسرائیل را طراحی کرده‌اند. هدف آن‌ها این است که خلق عرب را به تسلیم در برابر تهاجم اسرائیل وادار کنند. از ابتدای سال ۱۹۶۶، تجدیدنظرطلبان شوروی به‌طور فعال به ترویج «روح تاشکند» پرداخته و از «همزیستی مسالمت‌آمیز» بین خلق عرب و اسرائیل سخن گفته‌اند. روزنامه شوروی، نیو تایمز، فریاد زده بود که «ویتنام و تاشکند نماد دو مفهوم کاملاً متضاد در امور جهانی هستند» و بر این باور بودند که «فقط مفهوم تاشکند به بشریت سود می‌رساند». حتی گفته شده بود که اسرائیل و کشورهای عرب باید از حقوق برابری بر روی آب‌های رود اردن بهره‌مند شوند. در مارس ۱۹۶۶، سفیر شوروی در اسرائیل علناً اظهار داشت که خلق عرب باید از مسلح‌شدن خودداری کنند، به این امید که بدین وسیله آن‌ها را به بر زمین گذاشتن سلاح‌هایشان وادار کند. نخست‌وزیر اسرائیل، اشکول، در نامه‌ای به کاسیگین با خوشحالی ابراز امیدواری کرد که «روح تاشکند» در خاورمیانه تقویت شود. او نوشت که اسرائیل و شوروی در قبال چندین مشکل نگرش مشترکی دارند و امیدوار بود که روابط دوستانه بین دو کشور افزایش یابد. در کنفرانس‌های بین‌المللی، نمایندگان تجدیدنظرطلب شوروی همیشه از حمایت از مبارزه خلق فلسطین برای بازگشت به وطن خود امتناع کرده‌اند. برای مثال، در ابتدای امسال در هشتمین جلسه شورای سازمان همبستگی ملت‌های آفریقای جنوبی که به‌طور غیرقانونی در نیکوزیا، پایتخت

قبرس، تشکیل شده بود و در کنفرانس جعلی سوم نویسندگان آفروآسیایی که در بیروت برگزار شد، نمایندگان تجدد نظر طلب شوروی نه تنها جنایات تهاجمی امپریالیسم آمریکا و اسرائیل را محکوم نکردند، بلکه تمام تلاش خود را کردند تا از تصویب هرگونه قطعنامه‌ای در حمایت از مبارزه خلق فلسطین جلوگیری کنند. تجدد نظر طلبان شوروی از شناسایی سازمان آزادی بخش فلسطین و درخواست آن برای تأسیس دفتری در مسکو امتناع کردند. همه این‌ها به خلق فلسطین و عرب کمک کرده است تا ویژگی‌های بی‌شماره تجدد نظر طلبان شوروی را که به همکاران امپریالیسم آمریکا تبدیل شده و منافع خلق عرب را خیانت کرده‌اند، بیشتر درک کنند. احمد الشقیری، رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین، گفته است: «برخی کشورها خود را به کشورهای سوسیالیستی می‌نامند و در عین حال از اسرائیل حمایت و آن را به رسمیت می‌شناسند و با آن همکاری می‌کنند. آن‌ها کشورهای سوسیالیستی واقعی نیستند.»

پس از این‌که اسرائیل با وقاحت به کشورهای عربی حمله‌های غافلگیرکننده‌اش را آغاز کرد، تجدد نظر طلبان شوروی نقشه خود برای حمایت دروغین و خیانت واقعی را طراحی کردند. آن‌ها با امپریالیسم آمریکا و بریتانیا دست در دست هم، «قطعنامه آتش بس» را به منظور خیانت به خلق عرب مهندسی کردند. علاوه بر این، آن‌ها انواع حقه‌های سیاسی را به کار گرفتند تا خلق عرب را فریب دهند و به هدف ناپاک همکاری شوروی و آمریکا برای تسلط بر دنیای عرب دست یابند.



@zanjarehh : ما را در تلگرام دنبال کنید